



مدرسان شریف

فصل اول

«یادگیری، آموزش و روان‌شناسی پرورشی»

درسنامه (۱): اصطلاحات و مفاهیم علم روان‌شناسی پرورشی



روان‌شناسی به عنوان علم مطالعه رفتار و فرآیندهای شناختی و ذهنی زیربنای رفتار تعریف شده است. علم روان‌شناسی، جزء علوم تجربی است و روان‌شناسی پرورشی، شاخه‌ای از علم روان‌شناسی است. مطالعه روان‌شناسی پرورشی به معلمان کمک می‌کند تا ویژگی‌های دانش‌آموزان و دانشجویان خود را بهتر بشناسند، ماهیت یادگیری و چگونگی شکل‌گیری آن را درک کنند و روش‌ها و فنون مؤثر آموزش و کلاس‌داری را فرا بگیرند. علوم تجربی یعنی علمی که یافته‌های آن در اثر مشاهده‌ی تجربی به دست می‌آیند و مشاهده به دو گونه انجام می‌گیرد:

- ۱- مشاهده طبیعی: یعنی مشاهده‌ی پدیده‌ها، امور، اشخاص و اشیاء در حالت طبیعی و بدون دخل و تصرف در آنها، مانند علم اخترشناسی.
- ۲- مشاهده کنترل شده: موقعیت‌ها یا شرایط طبیعی پدیده‌ها ابتدا دستکاری می‌شود و در آنها تغییر ایجاد می‌شود، سپس نتایج حاصل از این تغییرات مشاهده می‌شود. به مشاهده‌ی کنترل‌شده، آزمایش نیز گفته می‌شود و به این علوم، علوم آزمایشی می‌گویند، مانند علم شیمی.

روان‌شناسی علمی، با دیگر روان‌شناسی‌ها که معیار و ملاک حقیقت آنها جنبه‌ی تجربی ندارد، متفاوت است مثلاً در مورد شاعر، حقیقت در تجارب شخصی و ادراک آنی او نهفته است و روان‌شناسی خاص خود را دارد که روان‌شناسی علمی محسوب نمی‌شود.

کج مثال ۱: روش علمی چیست؟

(۱) روش ذهنی (۲) روش حل مسئله (۳) کارکرد حواس (۴) مشاهده و آزمایش

پاسخ: گزینه «۴» روش علمی، روش کسب دانش در علوم تجربی است که یافته‌های آن از راه مشاهده تجربی و آزمایش به دست می‌آید.



تعریف یادگیری: یادگیری، یکی از مهم‌ترین موضوعات روان‌شناسی امروز و یکی از مشکل‌ترین مفاهیم برای تعریف کردن است. یادگیری دارای تعاریف بسیار زیادی است:

- ۱- کسب دانش و اطلاعات، عادت‌های مختلف، مهارت‌های متنوع و راه‌های گوناگون حل مسئله
- ۲- یادگیری یعنی فراگیری رفتارها و اعمال مفید و همچنین اعمال مضر و ناپسند.

مهم‌ترین و جامع‌ترین تعریف یادگیری، این چنین است: یادگیری به فرآیند ایجاد تغییر نسبتاً پایدار در رفتار یا توان رفتاری - که حاصل تجربه است - گفته می‌شود. بنابراین نمی‌توان آن را به حالت‌های موقت بدن، مانند تغییراتی که بر اثر خستگی، بیماری یا مصرف دارو ایجاد شده، نسبت داد. در نتیجه، اولاً این تغییر نسبتاً پایدار است و ناشی از هیجان، خستگی، انطباق حسی و مواردی از این قبیل نیست. ثانیاً تغییر در توانمندی افراد است، نه صرفاً در رفتار ظاهری آنها. یادگیری، یک تغییر درونی است و ما از طریق عملکرد که نتیجه‌ی یادگیری است، از آن اطلاع پیدا می‌کنیم.

تفاوت رفتار و عملکرد: رفتار، مجموعه‌ای از اعمال و حرکات درونی و بیرونی فرد است و شامل هر نوع عمل شخص می‌شود اما عملکرد، نتیجه‌ی عمل فرد است که از عواملی چون انگیزش، هیجان، شرایط محیطی و خستگی و بیماری متأثر می‌شود.



برای دستیابی به میزان واقعی یادگیری، هم باید از وسایل دقیق اندازه‌گیری عملکرد مثل آزمون‌ها و غیره استفاده کنیم و هم عملکرد آنان را به دفعات مختلف و در شرایط متفاوت مورد سنجش قرار دهیم. رشد کردن، بالغ شدن و پیر شدن، همگی قابل تغییر هستند، اما از تجربه ناشی نمی‌شوند. تجربه یعنی تأثیر محرک‌های بیرونی و درونی بر یادگیرنده؛ بنابراین این تغییرات نیز یادگیری محسوب نمی‌شوند.

تفاوت یادگیری عمدی و غیرعمدی: برخورد یادگیرنده با هرگونه تجربه‌ای ممکن است به یادگیری بینجامد که این یادگیری به صورت اتفاقی و غیرعمدی است، مثلاً ضمن حضور در مدرسه و در اثر ارتباط با معلمان و دوستان، بسیاری از یادگیری‌ها غیرعمدی در دانش‌آموزان اتفاق می‌افتد که از قبل طرح‌ریزی نشده و قابل پیش‌بینی نیستند، ولی آنچه دانش‌آموزان و دانشجویان در ضمن آموزش رسمی معلمان، درباره‌ی موضوع‌های مختلف درسی می‌آموزند، یادگیری عمدی است.

تفاوت یادگیری و رفتار: یادگیری، نوعی توانایی است که در فرد ایجاد می‌شود و تنها از طریق مراجعه به رفتار آشکار فرد می‌توان از آن اطلاع حاصل کرد. از سوی دیگر، رفتار به اعمال و حرکات بیرونی و درونی فرد گفته می‌شود. رفتارها از دو دسته آشکار (بیرونی) و نهان (درونی) تشکیل می‌شوند.

تعریف آموزش: آموزش جزء فعالیت‌های حرفه‌ای معلم محسوب می‌شود. معلم با عمل آموزش، شرایطی را برای دانش‌آموزان و یادگیرندگان ایجاد می‌کند که یادگیری در آنها به راحتی صورت بگیرد. یادگیری، فعالیتی است که از سوی یادگیرندگان انجام می‌گیرد و خود آن‌ها در شکل‌گیری آن دخالت مستقیم دارند و نقش معلم، تسهیل‌گری و فراهم کردن امکاناتی است که یادگیری را برای آنها راحت‌تر و آسان‌تر می‌کند.

سیدل و شاونسون، بیان می‌دارند که آموزش به عنوان «خلق محیط‌های یادگیری که در آن فعالیت‌های مورد نیاز یادگیرندگان برای ساختن دانش و کسب توانایی تفکر به حداکثر می‌رسد» تعریف شده است. مهم‌ترین ویژگی آموزش کلاسی، کنش متقابل یا تعامل بین معلم و یادگیرندگان است.

تفاوت آموزش با یادگیری: یادگیری و آموزش، دو فرآیند مستقل از هم هستند؛ یادگیری مربوط به شخص یادگیرنده است، اما آموزش، فعالیتی است که از قبل تعیین و برنامه‌ریزی شده است و حداقل باید بین ۲ نفر به صورت متقابل جریان داشته باشد. یادگیری، هدف است ولی آموزش، وسیله‌ای برای رسیدن به هدف است.

تفاوت آموزش با تدریس: آموزش و تدریس دقیقاً هم‌معنا نیستند؛ آموزش، کلی‌تر از تدریس است و شامل کلیه‌ی فعالیت‌هایی است که توسط معلم در داخل و خارج از کلاس، برای آسان‌تر شدن یادگیری دانش‌آموزان و همچنین ارزشیابی از آنان انجام می‌شود ولی تدریس (درس دادن)، عمدتاً به فعالیت‌های کلاسی معلم گفته می‌شود که در حضور دانش‌آموزان و دانشجویان و غالباً به صورت کلامی انجام می‌گیرد.

کج مثال ۲: دانستن چگونگی انجام یک کار و نتیجه انجام دادن آن، به تفاوت کدام یک از موارد زیر اشاره می‌کند؟

- (۱) یادگیری و رفتار (۲) یادگیری و عملکرد (۳) تجربه و آموزش (۴) یادگیری و آموزش

پاسخ: گزینه «۲» عملکرد نیز مانند رفتار آشکار به جنبه‌های قابل مشاهده یادگیری اشاره می‌کند، اما تفاوت رفتار با عملکرد در آن است که رفتار به هرگونه عمل شخص گفته می‌شود، در حالی که عملکرد به نتیجه عمل فرد اشاره می‌کند. یادگیری نیز به نوعی رفتار یا توانایی است که در نتیجه تجربه حاصل شده است.

کج مثال ۳: در مقایسه آموزش با تدریس می‌توان گفت:

- (۱) تدریس، کلی‌تر از آموزش است. (۲) تدریس، بخشی از آموزش است.
(۳) تدریس، جا افتاده‌تر از آموزش است. (۴) تدریس، فعالیت‌های همه‌جانبه معلم را شامل می‌شود.

پاسخ: گزینه «۲» آموزش شامل همه‌ی فعالیت‌های معلم، چه در کلاس، چه خارج از کلاس و همچنین ارزشیابی می‌شود و کلی‌تر از تدریس است. اما تدریس (درس دادن) عمدتاً به فعالیت‌های کلاسی معلم گفته می‌شود که در حضور یادگیرندگان و غالباً به صورت کلاسی انجام می‌شود.

کج مثال ۴: کدام تعریف برای یادگیری، درست‌تر است؟

- (۱) کسب اطلاعات و بینش‌های تازه در یادگیرنده بر اثر تجربه (۲) ایجاد تغییرات در رفتار یادگیرنده بر اثر تمرین و تکرار
(۳) ایجاد تغییرات مطلوب در رفتار یادگیرنده بر اثر تجربه و تقویت (۴) ایجاد تغییرات کم و بیش دائمی در رفتار یادگیرنده بر اثر تجربه

پاسخ: گزینه «۴» یادگیری به فرآیند ایجاد تغییرات نسبتاً پایدار در رفتار یا توان رفتاری که حاصل تجربه است، گفته می‌شود. یادگیری در مواردی اطلاق می‌شود که تغییرات ایجاد شده، نسبتاً پایدار باشند و هر تغییر در رفتار فرد را نمی‌توان یادگیری شمرد. از طرفی، یادگیری هم در مورد امور مطلوب و هم در مورد امور نامطلوب می‌تواند ایجاد شود.

تعریف پرورش: اصطلاح آموزش و پرورش شامل دو بخش کلی آموزش و پرورش است. واژه پرورش شامل یک تعریف کلی است و به جریان یا فرآیندی منظم و مستمر گفته می‌شود که در آن، رشد روانی و جسمانی افراد یا رشد همه‌جانبه‌ی شخصیت افراد شکل می‌گیرد و در جریان پرورش است که افراد می‌توانند معارف بشری را درک کنند و هنجارها و ارزش‌های مورد پذیرش جامعه را کسب کنند و استعدادهایشان را شکوفا سازند. بنابراین، هدف عمده‌ی مدارس و دانشگاه‌ها رشد افراد فقط در جنبه‌های آموزش و آموزشی نیست، بلکه هدف آنها علاوه بر آموزش و یادگیری یادگیرندگان، هدایت رشد جسمانی و روانی یا به طور کلی هدایت رشد همه‌جانبه‌ی شخصیت آنهاست.

تعریف کارآموزی: کارآموزی در زبان فارسی، گاهی به عنوان تربیت معرفی می‌شود. هدف هر دوره‌ی کارآموزی، ایجاد مهارت‌ها، دانش‌ها و نگرش‌های مورد نیاز در جهت عملکرد مقتضی در یک شغل یا حرفه‌ی معین است.

تفاوت بین فعالیت‌های پرورشی و کارآموزی: ۱- فعالیت‌های پرورشی وسیع‌اند، اما فعالیت‌های کارآموزی، محدود هستند. ۲- هدف‌های پرورشی، کلی و جامع‌اند، اما هدف‌های کارآموزی، محدود و مشخص هستند. ۳- دوره‌های پرورش، طولانی و مستمر هستند، اما دوره‌های کارآموزی معمولاً کوتاه‌مدت و مقطعی هستند. ۴- پرورش غالباً توسط نهادهای رسمی و دولتی انجام می‌شود، اما دوره‌های کارآموزی توسط مؤسسات صنعتی و خدماتی خصوصی و گاه دولتی انجام می‌شود. ۵- افراد در دوره‌های پرورشی با توجه به علاقه‌ها و استعدادهای متنوع خود، مسیرهای دلخواه را برمی‌گزینند، اما در دوره‌های کارآموزی به رغم استعدادها و علاقه‌های خود به سوی هدف‌های واحدی پیش می‌روند که در برنامه‌ی کارآموزی در نظر گرفته شده است.

تعریف و موضوع روان‌شناسی پرورشی

موضوعاتی که روان‌شناسی پرورشی به آن می‌پردازد عبارت‌اند از: ۱- آموزش ۲- یادگیری ۳- ویژگی‌های یادگیرندگان. در رابطه با علم روان‌شناسی سه دیدگاه متفاوت وجود دارد.

دیدگاه اول: روان‌شناسی پرورشی را کاربرد دانش روان‌شناسی در فعالیت‌های آموزشی و پرورشی می‌داند. لفرانسوا در کتاب خود با عنوان روان‌شناسی برای آموزش، گفته است: روان‌شناسی پرورشی را می‌توان به عنوان کاربرد دانش مربوط به روان‌شناسی در نظریه و عمل پرورش و نیز تولید دانش و روش‌های نو تعریف کرد. آندرسون و فاوست بیان می‌دارند که هدف روان‌شناسی پرورشی کاربرد مفاهیم و اصول روان‌شناسی برای بهبود فعالیت‌های پرورشی است.

دیدگاه دوم: بیان می‌دارد که روان‌شناسی پرورشی به استفاده از روش‌های روان‌شناسی برای مطالعه فعالیت‌ها و موقعیت‌های کلاس درس و محیط آموزشگاه گفته می‌شود.

دیدگاه سوم: این دیدگاه، روان‌شناسی پرورشی را یک نظام مستقل علمی می‌داند که دارای نظریه‌ها و روش‌های خاص خود است و دو هدف درک و فهم فرآیندهای یادگیری و آموزش و راه‌های بهبود بخشیدن به این فرآیندها را شامل می‌شود (این دیدگاه در حال حاضر طرفداران بیشتری دارد و بیشتر مورد تأیید است).

روان‌شناسی پرورشی از سه اصل زیربنایی تشکیل یافته است: معلم، یادگیرنده و فرآیندی که بین این دو واقع می‌شود. سیفرت، روان‌شناسی پرورشی را علم مطالعه‌ی چگونگی یادگیری می‌داند و اینکه آموزش چگونه به یادگیری کمک می‌کند و نیز آن را شامل رشد و تحول یادگیرندگان، نحوه‌ی رفتارها و اندیشه‌ها، شرایط ارتقای یادگیرندگان، چگونگی پاسخ‌گویی به نیاز دانش‌آموزان دارای توانایی‌های متفاوت و نیز نحوه‌ی ارزشیابی یادگیری می‌داند.

کج مثال ۵: کدام عبارت در مورد روان‌شناسی پرورشی نادرست است؟

- ۱) روان‌شناسی پرورشی به معلمان کمک می‌کند تا ویژگی‌های دانش‌آموزان و دانشجویان خود را بهتر بشناسند.
- ۲) روان‌شناسی پرورشی یک علم مستقل با روش‌ها و دانش ویژه خود است.
- ۳) موضوع روان‌شناسی پرورشی، آموزش اخلاقیات به یادگیرندگان است.
- ۴) روان‌شناسی پرورشی عمدتاً به مطالعه ویژگی‌های یادگیرندگان، یادگیری و آموزش می‌پردازد.

پاسخ: گزینه «۳» موضوعات عمده روان‌شناسی پرورشی درباره الف) آموزش، ب) یادگیری و ج) ویژگی یادگیرندگان است. یعنی علم روان‌شناسی پرورشی حول این می‌چرخد که با وجود تفاوت‌های یادگیرندگان مختلف، چطور می‌توان محیط آموزش با کیفیتی فراهم کرد که یادگیری افراد در محیط‌های آموزشی به نحو مطلوب و بهینه حاصل شود. این علم، دانش خاص خود را دارد و مستقل از علوم دیگر است و می‌تواند برای کیفیت کار معلمان، یاری‌دهنده باشد.



درسنامه (۲): تاریخچه نگارش کتاب‌های دانشگاهی و زمینه تاریخی روان‌شناسی تربیتی

زمینه تاریخی روان‌شناسی تربیتی

چندین نفر از پیشگامان روان‌شناسی قبل از شروع قرن بیستم شاخه‌ی روان‌شناسی تربیتی را بنیان نهادند. سه نفر از این پیشگامان که نقش بیشتری داشتند عبارت‌اند از: ویلیام جیمز، جان دیویی و ادوارد ثرندایک.

ویلیام جیمز: جیمز خاطرنشان کرد که روان‌شناسی آزمایشگاهی اغلب نمی‌تواند به ما بگوید که چطور به‌طور اثربخش به کودکان آموزش دهیم. او بر اهمیت مشاهده‌ی تدریس و یادگیری در کلاس‌ها به منظور بهبود آموزش تأکید داشت و یکی از توصیه‌های او این بود که معلمان برای کمک به رشد ذهنی کودکان باید درس را از نقطه‌ای شروع کنند که کمی فراتر از سطح دانش و فهم کودک باشد.

جان دیویی: دومین پیشگام در شکل‌گیری روان‌شناسی تربیتی، جان دیویی (۱۹۵۲-۱۸۵۹) است که نقش بسزایی در کاربرد علمی روان‌شناسی داشت، دیویی اولین آزمایشگاه روان‌شناسی تربیتی را در سال ۱۸۹۴ در دانشگاه شیکاگو در ایالات متحده آمریکا راه‌اندازی کرد.

ما ایده‌های مختلفی را مدیون او هستیم. نخستین ایده‌ی او این بود که به کودک به عنوان یادگیرنده‌ی فعال بنگریم. پیش از دیویی اعتقاد بر این بود که کودکان باید ساکت در صندلی‌های خود در کلاس بنشینند و مطالب را منفعلانه و طوطی‌وار یاد بگیرند، در حالی که دیویی معتقد بود کودکان از طریق عمل کردن، به بهترین شکل یاد می‌گیرند. دوم، ما مدیون این ایده‌ی دیویی هستیم که در آموزش باید کودک را به صورت کلی در نظر گرفت و بر انطباق او با محیط تأکید کرد، دیویی معتقد بود که نباید کودکان را تنها با موضوعات تحمیلی مورد آموزش قرار داد، بلکه باید آنها یاد بگیرند که چطور فکر کنند و با دنیای بیرون از مدرسه انطباق یابند. او به ویژه فکر می‌کرد کودکان باید یاد بگیرند که چطور مسائل را حل کنند. سوم، دیویی بر این باور بود که تمام کودکان حق دارند از آموزش مناسب برخوردار باشند.

ثرندایک: سومین پیشگام عرصه‌ی روان‌شناسی تربیتی، ادوارد ثرندایک (۱۹۴۹-۱۸۷۴) بود و او را می‌توان آغازگر تأکید بر سنجش و اندازه‌گیری و ارتقای شالوده‌ی علمی یادگیری دانست. ثرندایک عنوان کرد که یکی از مهم‌ترین تکالیف مدرسه، پرورش مهارت‌های استدلال کردن در کودکان است. او مطالعه‌ی علمی آموزش و یادگیری را بنیان نهاد. ثرندایک به ویژه این باور را تقویت کرد که روان‌شناسی تربیتی باید بنیانی علمی داشته و به شدت بر اندازه‌گیری مبتنی باشد.

کج مثال ۶: کدام دانشمند اولین آزمایشگاه روان‌شناسی تربیتی را بنیان نهاد؟

- (۱) ثرندایک (۲) دیویی (۳) ویلیام جیمز (۴) پائولف

پاسخ: گزینه «۲» جان دیویی اولین آزمایشگاه روان‌شناسی تربیتی را در سال ۱۸۹۴ در دانشگاه شیکاگو راه‌اندازی کرد. نخستین ایده او این بود که به کودک به عنوان یادگیرنده‌ی فعال بنگریم.

تاریخچه نگارش کتاب‌های درسی دانشگاهی در زمینه روان‌شناسی پرورشی در ایران

- ۱- کتاب روان‌شناسی یا معرفه‌النفوس راجع به تعلیم و تربیت، تألیف بدرالملوک بامداد؛ در سال ۱۳۱۱ به چاپ رسید، اما جزء کتب دانشگاهی به شمار نمی‌رود.
- ۲- کتاب علم‌النفوس یا روان‌شناسی از لحاظ تربیت؛ نخستین کتاب دانشگاهی برای درس روان‌شناسی تربیتی به زبان فارسی است که توسط دانشمند بزرگوار دکتر علی‌اکبر سیاسی تألیف شده و در سال ۱۳۱۷ به چاپ رسید؛ نخستین کتاب در رشته روان‌شناسی پرورشی است.
- ۳- کتاب روان‌شناسی پرورشی تألیف دکتر علی‌اکبر سیاسی نیز در سال ۱۳۲۰، انتشار یافت که جزء کتب دانشگاهی به شمار نمی‌رود.

کج مثال ۷: نخستین کتاب دانشگاهی روان‌شناسی تربیتی به زبان فارسی در چه سالی به چاپ رسید؟

- (۱) ۱۳۱۶ (۲) ۱۳۱۷ (۳) ۱۳۲۰ (۴) ۱۳۳۷ (سراسری ۸۱)

پاسخ: گزینه «۲» انتشار نخستین کتاب دانشگاهی در حوزه روان‌شناسی پرورشی، در سال ۱۳۱۷ و توسط دکتر سیاسی انجام شده است (علم‌النفوس)، اما نخستین کتاب در این زمینه در سال ۱۳۱۱ توسط بدرالملوک بامداد تألیف شده که البته دانشگاهی نبود.

کج مثال ۸: کدام بیان درباره علم روان‌شناسی تربیتی این روزها طرفداران بیشتری در میان صاحب‌نظران دارد؟

- (۱) روان‌شناسی تربیتی یک شاخه مستقل علمی است با روش‌های مخصوص خودش.
 (۲) روان‌شناسی تربیتی به کاربرد یافته‌های روان‌شناسی در مسائل تعلیم و تربیت گفته می‌شود.
 (۳) روان‌شناسی تربیتی یافته‌های آزمایشگاه‌های روان‌شناسی را در کلاس درس به آزمایش می‌گذارد.
 (۴) روان‌شناسی تربیتی به مجموعه‌ای از اصول و روش‌های مورد قبول صاحب‌نظران تعلیم و تربیت گفته می‌شود.

پاسخ: گزینه «۱» روان‌شناسی پرورشی (تربیتی) یک علم تجربی مستقل است و یکی از رشته‌های روان‌شناسی است که به مطالعه‌ی مسائل یادگیری آموزشی و آموزش می‌پردازد و هدف آن یافتن روش‌ها و اصولی است که معلم را در آموزش موضوعات مختلف و شناسایی نحوه‌ی یادگیری دانش‌آموزان کمک می‌کند؛ امروزه علم روان‌شناسی تربیتی در میان صاحب‌نظران روان‌شناسی، به عنوان یک نظام مستقل و با مسائل، روش‌ها و فنون پژوهش و نظریه‌های مخصوص خود مطرح است.

تدریس: هنر و علم

برای موفق شدن در کار معلمی باید هم هنر داشت و هم علم، بدون وجود هر یک از این دو، نمی‌توان معلم موفق شد.

آموزش اثربخش

آموزش اثربخش به علت پیچیدگی آموزش و تفاوت‌های فردی دانش‌آموزان، شبیه یک جوراب «تک‌سایز و مناسب همه» نیست. معلمان باید بر انواع دیدگاه‌ها و راهبردها تسلط داشته و در استفاده از آنها انعطاف‌پذیر باشند، این موضوع مستلزم دو نکته کلیدی است: ۱- دانش و مهارت‌های حرفه‌ای ۲- تعهد و انگیزش. معلمان اثربخش، بر موضوع اصلی و مهارت‌های آموزشی تسلط خوبی دارند. آنها دارای راهبردهای آموزشی، روش‌های تدوین هدف، برنامه‌ریزی آموزشی و مدیریت کلاس درس بسیار خوبی هستند. آنها می‌دانند چگونه انگیزش ایجاد کرده، ارتباط برقرار کرده و به‌طور مؤثری با دانش‌آموزان متعلق به زمینه‌های فرهنگی مختلف، کار کنند. این معلمان همچنین، به سطح استفاده مناسب از فناوری در کلاس درس واقفاند.

راهبردهای آموزشی

در فلسفه تعلیم و تربیت ویلیام جیمز و جان دیویی، اصل سازنده‌گرایی محور آموزش محسوب می‌شود. انجمن بین‌المللی فناوری در تعلیم و تربیت (۲۰۰۱) استانداردهای فناوری آموزشی زیر را در حال حاضر وضع کرده‌است.

- استانداردهای پایه فناوری برای دانش‌آموزان که بیان می‌کنند دانش‌آموزان باید چه مطالبی را در مورد فناوری بدانند و چه کارهایی با آن انجام دهند.
- استانداردهایی برای استفاده از فناوری در یادگیری و آموزش که شرح می‌دهد چگونه فناوری باید در طول یک برنامه درسی در آموزش، یادگیری و مدیریت آموزشی مورد استفاده قرار گیرد.
- استانداردهای فناوری که کمک آموزشی که نظام‌ها، راه‌های دستیابی، رشد کارکنان و خدمات حمایتی که برای تدارک استفاده مؤثر از فناوری موردنیاز است را توصیف می‌کند.
- استانداردهایی برای سنجش و ارزشیابی فناوری مورد استفاده دانش‌آموزان که روش‌ها و وسایل مختلف سنجش پیشرفت دانش‌آموز و ارزیابی استفاده از فناوری در یادگیری و آموزش را شرح می‌دهد.

تصویر دانش‌آموزان از بهترین و بدترین معلمان آنها

کل (درصد)	خصوصیات بهترین معلمان
۷۹/۲	داشتن حس شوخ‌طبعی
۷۳/۷	جذاب کردن کلاس درس
۷۰/۱	تسلط بر موضوع درسی
۶۶/۲	توضیح روشن مطالب
۶۵/۸	صرف وقت برای کمک به دانش‌آموزان
۶۱/۸	عادل بودن نسبت به دانش‌آموزان
۵۴/۴	با دانش‌آموزان شبیه افراد بالغ رفتار کردن
۵۴/۲	برقراری رابطه خوب با دانش‌آموزان
۵۱/۹	توجه کردن به احساسات دانش‌آموزان
۴۶/۶	استثنا قائل نشدن بین دانش‌آموزان
کل (درصد)	خصوصیات بدترین معلمان
۷۹/۶	داشتن یک کلاس خسته‌کننده
۶۳/۲	عدم توضیح روشن مطالب
۵۲/۷	استثنا قائل شدن بین دانش‌آموزان
۴۹/۸	داشتن نگرشی منفی نسبت به دانش‌آموزان
۴۹/۱	انتظارات خیلی زیاد از دانش‌آموزان
۴۶/۲	برقرار نکردن رابطه با دانش‌آموزان
۴۴/۲	دادن تکالیف بسیار زیاد
۴۰/۶	سخت‌گیری زیاد
۴۰/۵	کمک نکردن و عدم توجه فردی به دانش‌آموزان
۳۹/۹	فقدان نظارت و کنترل بر کلاس

کج مثال ۹: طی تحقیقات صورت گرفته، کدام ویژگی به عنوان مهم‌ترین خصیصه بهترین معلمان مشخص شده است؟

- (۱) داشتن شوخ‌طبعی
 (۲) تسلط بر موضوع درسی
 (۳) صرف وقت برای کمک به دانش‌آموزان
 (۴) برقراری رابطه خوب با دانش‌آموزان

پاسخ: گزینه «۱» داشتن حس شوخ‌طبعی، ۷۹/۲ درصد را به عنوان مهم‌ترین خصوصیت بهترین معلمان به خود اختصاص داده است.

توجه: داوطلبانی که بعد از مطالعه کل کتاب نیاز به تست بیشتری برای مرور و تمرین دارند، می‌توانند با مراجعه به سایت www.modaresanesharif.ac.ir بانک تست‌های مربوط به همه فصول کتاب را دانلود نمایند.



آزمون فصل اول

۱- کدام یک از بیانات زیر در مورد یادگیری، رفتار و عملکرد درست است؟

- ۱) هیچ تفاوت معنایی بین عملکرد، یادگیری و رفتار وجود ندارد.
- ۲) یادگیری و رفتار معادل هستند، اما عملکرد با آنها متفاوت است.
- ۳) یادگیری، نوعی توانایی است، اما عملکرد، تظاهرات آشکار یادگیری است.
- ۴) یادگیری و عملکرد، دو اصطلاح مختلف برای یک مفهوم واحد هستند.

۲- تغییری را می‌توان محصول یادگیری خواند که

- ۱) ناشی از تجربه و نسبتاً ثابت باشد.
- ۲) دارای پایه ارثی باشد.
- ۳) مبتنی بر گزینه باشد.
- ۴) ناشی از بلوغ باشد.

۳- از دیدگاه روان‌شناسی تربیتی:

- ۱) تغییر رفتار بدون آموزش، غیرممکن است.
- ۲) یادگیری، پایه هرگونه تربیت است.
- ۳) یادگیری، تابع آموزش است.
- ۴) آموزش، تنها تعیین‌کننده رفتار است.

۴- روان‌شناسی تربیتی، عبارت است از:

- ۱) بررسی اصول تربیت
- ۲) علم تربیت کودکان
- ۳) علم یادگیری و آموزش
- ۴) کاربرد اصول تربیت

۵- کدام یک از تعاریف زیر درباره‌ی یادگیری صحیح‌تر است؟

- ۱) یادگیری، تغییر رفتاری است که قابل ارزشیابی باشد.
- ۲) یادگیری، تغییر رفتاری است که با افزایش سن ایجاد شده باشد.
- ۳) یادگیری، هرگونه تغییر در رفتار می‌باشد.
- ۴) یادگیری، تغییر رفتاری است که با افزایش تجربه ایجاد شده باشد.

۶- کدام یک از حالات زیر یادگیری محسوب می‌شود؟

- ۱) کسب اطلاعات جدید و رفتارهای مطلوب و نامطلوب
- ۲) تأثیر متقابل بین محرک‌ها (بیرونی و دورنی) و یادگیرنده
- ۳) تغییرات عوامل انگیزشی و انطباق مبتنی بر فرد
- ۴) فقط رفتارهای آشکار فرد

۷- کدام عبارت در مورد روان‌شناسی پرورشی صحیح است؟

- ۱) فقط تکیه بر حالات عاطفی و انگیزش دانش‌آموزان در امر یادگیری دارد.
- ۲) روش‌ها و فنون مؤثر آموزش و کلاس‌داری را بیان می‌کند.
- ۳) دربرگیرنده راه‌های کمک به رشد و یادگیری شاگردان است.
- ۴) گزینه‌های ۱ و ۲

۸- روان‌شناسی پرورشی کدام یک از موضوعات زیر را در بر می‌گیرد؟

- ۱) یادگیری - آموزش - عملکرد
- ۲) یادگیری - یادگیرنده - آموزش
- ۳) یادگیری - پرورش - یادگیری
- ۴) یادگیری - یادگیرنده - آموزش

۹- کدام عبارت صحیح نیست؟

- ۱) کارآموزی، معادل مفهوم پرورش است.
- ۲) کارآموزی همیشه منطبق بر علاقه و استعداد کارآموزان نیست.
- ۳) کارآموزی عموماً تأمین‌کننده‌ی نیازهای پرورش‌یابندگان است.
- ۴) گزینه‌های ۱ و ۳

۱۰- هرگونه فعالیت یا تدبیر از پیش طرح‌ریزی شده است که هدف آن آسان کردن یادگیری در یادگیرندگان است.

(۱) تدریس (۲) پرورش (۳) آموزش (۴) کارآموزی

۱۱- کدام عبارت در مورد یادگیری صحیح نیست؟

(۱) عملکرد از عوامل مختلفی چون انگیزش و هیجان و شرایط محیطی تأثیر می‌پذیرد.

(۲) عملکرد و رفتار، معادل یکدیگر نیستند.

(۳) عملکرد، همان محصول یادگیری است.

(۴) عملکرد همیشه شاخص نسبتاً درستی از یادگیری است.

۱۲- فرآیند بیرونی محسوب می‌شوند.

(۱) آموزش و تدریس (۲) پرورش و یادگیری (۳) کارآموزی و یادگیری (۴) یادگیری و آموزش

۱۳- مهم‌ترین ویژگی آموزش کلاسی کدام‌یک از گزینه‌های زیر است؟

(۱) یادگیرنده (۲) معلم (۳) تعامل بین معلم و یادگیرنده (۴) هدف‌ها و آموزش

۱۴- هدف است و وسیله‌ای برای رسیدن به هدف است.

(۱) آموزش - یادگیری (۲) یادگیری - کارآموزی (۳) یادگیری - آموزش (۴) پرورش - کارآموزی

۱۵- کدام گزینه در خصوص پیشگامان روان‌شناسی تربیتی نادرست است؟

(۱) ویلیام جیمز بر اهمیت مشاهده تدریس و یادگیری در کلاس تأکید داشت.

(۲) ثرندایک را می‌توان آغازگر تأکید بر سنجش و اندازه‌گیری یادگیری دانست.

(۳) دیویی بر نگرستن کودک به عنوان یادگیرنده‌ای فعال تأکید داشت.

(۴) دیویی مطالعه علمی آموزش و یادگیری را بنیان نهاد.



مدرسان شریف

فصل دوم

« پژوهش در روان‌شناسی پرورشی »

درسنامه (۱): پژوهش‌های علمی و اهداف پژوهش



پژوهش علمی، عینی، منظم، آزمون‌پذیر و بر مبنای روش علمی است، یعنی روشی که برای کشف اطلاعات دقیق استفاده می‌شود. روش علمی شامل مراحل از قبیل مفهوم‌سازی مسئله، جمع‌آوری داده‌ها، استخراج نتایج و بازبینی نتایج پژوهش و نظریه است. پژوهش‌های علمی به دو دسته عمده‌ی پژوهش‌های بنیادی و پژوهش‌های کاربردی تقسیم می‌شوند.

پژوهش بنیادی: نتایجی که از پژوهش‌های بنیادی به دست می‌آید، زیربنای علمی را ایجاد می‌کند و پایه‌ی فعالیت‌های انسان را تشکیل می‌دهد. علایق و اندیشه‌های فرد پژوهشگر است که آنها را به سوی پژوهش‌های بنیادی رهنمون می‌سازد. پژوهش‌های بنیادی برای استفاده و کاربرد مستقیم در موقعیت‌های عینی و عملی به کار نمی‌رود. هدف عمده‌ی پژوهش بنیادی، کشف مجهولات یا روابط بین امور و افزایش دانش بشر است. نظریه‌ها و قوانین در نتیجه پژوهش‌های بنیادی وضع می‌شوند. البته باید توجه داشت که پژوهش‌های بنیادی نمی‌توانند بهترین راه‌حل‌ها را برای مشکلات عملی به دست دهند.

پژوهش کاربردی: هدف اصلی پژوهش کاربردی پیدا کردن راه‌حل مناسب برای مشکلات زندگی است. پژوهش کاربردی، از نتایج پژوهش‌های بنیادی استفاده می‌کند و آنها را به صورت عینی و عملی، برای حل مسائل روزمره مورد استفاده قرار می‌دهد. آموزش برنامه‌ای یا آموزش به کمک کامپیوتر، نمونه‌ای از پژوهش کاربردی است. کرلینجر معتقد است که اگرچه پژوهش کاربردی در آموزش، امری ضروری است، اما بدون وجود پژوهش‌های بنیادی که زیربنای پژوهش‌های کاربردی را تشکیل می‌دهند، انجام پژوهش‌های کاربردی چندان ثمربخش نیست و به اعتقاد کرلینجر هدف از پژوهش کاربردی کمک به تصمیم‌گیری است.

تفاوت و شباهت پژوهش‌های بنیادی و کاربردی:

- ۱- پژوهش‌های بنیادی دانش بشری را به صورت کلی و پژوهش‌های کاربردی، دانش بشری را در زمینه‌های خاص، گسترش می‌دهند.
- ۲- پژوهش‌های بنیادی در موقعیت‌های کاملاً کنترل شده مانند آزمایشگاه به اجرا درمی‌آیند، اما پژوهش‌های کاربردی در موقعیت‌های طبیعی، مانند کلاس درس انجام می‌شوند.
- ۳- پژوهش‌های بنیادی و پژوهش‌های کاربردی، هر دو از لحاظ ویژگی‌های اجرایی (ابزارهای مورد استفاده، روش‌های نمونه‌گیری و روش‌های آماری) شبیه هم هستند.

پژوهش تولیدی: در تقسیم‌بندی دیگری که از پژوهش‌ها به عمل آمده، علاوه بر پژوهش بنیادی و پژوهش کاربردی، نوع دیگری از پژوهش با عنوان پژوهش تولیدی مشخص شده است که تعریف آن را در قالب مثال زیر بیان می‌کنیم:

در حوزه فیزیک و مهندسی، پژوهش مربوط به فیزیک حالت جامد، پژوهش بنیادی است و مطالعات مربوط به نحوه‌ی ساختمان ترانزیستور، پژوهش کاربردی است و ساخت و تولید ترانزیستورها برای استفاده در دستگاه‌های الکترونیکی، پژوهش تولیدی محسوب می‌شود.

کج مثال ۱: تفاوت عمده بین علم بنیادی و علم کاربردی در چیست؟

(۲) بیان نظریه و فرضیه علمی

(۱) استفاده از یافته‌های پژوهشی

(۴) تفسیر یافته‌های پژوهشی

(۳) کاربرد روش‌های دقیق آماری

پاسخ: گزینه «۱» هدف عمده پژوهش بنیادی، کشف مجهولات یا روابط بین پدیده‌ها، تدوین و وضع قوانین و نظریه‌های علمی است. هدف پژوهش کاربردی پیدا کردن راه‌حل برای مشکلات زندگی است.

پژوهش بنیادی یادگیری

پژوهش‌های بنیادی یادگیری به سه نوع مختلف تقسیم می‌شوند:

نوع اول: پژوهش‌هایی که به طور مستقیم قابل استفاده در کلاس درس نیستند (مانند آزمایش‌های جانوری شرطی کردن و پلک زدن چشم یا مطالعات مربوط به حیوانات مانند یادگیری کرم خاکی).

نوع دوم: پژوهش‌هایی که نزدیک‌تر به مسائل آموزشی‌اند، چون آزمودنی‌ها انسان هستند (مانند پژوهش‌های مربوط به یادگیری کلامی، هجاهای بی‌معنی و بررسی تأثیر عوامل بازداری پیش‌گستر و بازداری پس‌گستر در یادگیری و یادآوری مطالب، بازداری پیش‌گستر یعنی یادگیری‌های قبلی که در یادگیری و یادآوری فعلی مطالب، اختلال ایجاد می‌کنند و بازداری پس‌گستر، یعنی یادگیری‌های بعدی که در یادگیری و یادآوری مطلب مورد نظر اختلال ایجاد می‌کنند).

نوع سوم: پژوهش‌هایی که نسبت به نوع دوم نزدیک‌تر به مسائل آموزشی‌اند، چون آزمودنی‌ها دانش‌آموزان هستند (مانند پژوهش‌های مربوط به یادگیری ریاضیات، یادگیری لغات زبان بیگانه و غیره).

پژوهش‌های کاربردی و تولیدی آموزشی

نوع چهارم: پژوهش‌هایی که در کلاس‌های درس و محیط‌های آموزشی با تعداد کمی از شاگردان و توسط معلمان بسیار ماهر انجام می‌گیرد.

نوع پنجم: در این پژوهش، نتایج پژوهش قبلی در محیط‌های طبیعی کلاس‌ها و با معلمان طبیعی مورد استفاده قرار می‌گیرد تا اثربخشی آن به اثبات برسد.

نوع ششم: در این مرحله، در صورتی که نتایج پژوهش نوع قبل مفید تشخیص داده شود، مواد و روش‌های مورد استفاده در آن به مقیاس زیاد تولید و برای استفاده در سطح گسترده آماده می‌شود.

نوع هفتم: این پژوهش به بررسی نتایج و پیامدهای حاصل از کاربرد مواد و روش‌های به دست آمده در پژوهش نوع قبل می‌پردازد و هدف این پژوهش ارزشیابی روش‌ها و مواد تازه است.

در روان‌شناسی آموزش تمامی انواع پژوهش‌های فوق مورد نیازند و نباید از پژوهش‌های نوع اول و دوم و سوم (یعنی پژوهش‌های بنیادی) به پژوهش‌های تولیدی و ارزشیابی جهش کرد.

بنابراین بعد از پژوهش بنیادی، پژوهش‌های کاربردی صورت می‌گیرد تا بر اساس نتایج آن (یعنی اثربخشی و مفید بودن) اقدام به پژوهش تولیدی کرد.

پژوهش عمل‌نگر: پژوهش عمل‌نگر یا عملیاتی یا اقدام‌پژوهی یا پژوهش عمل‌نگر مشارکتی، یک مداخله در مقیاس کوچک در کارکرد جهان واقعی است. پژوهش عمل‌نگر، هم در آموزش و پرورش و هم در روان‌شناسی اجتماعی کاربرد دارد. این نوع پژوهش در موقعیت‌های عملی کلاس درس و برای رفع مشکلات خاص معلمان صورت می‌گیرد و غالباً به وسیله‌ی خود معلمان یا به کمک آنان انجام می‌شود. پژوهش عمل‌نگر بیشتر جنبه‌ی حل مسئله دارد و لذا هدف آن گسترش دانش، آزمودن نظریه و فرضیه یا تعمیم یافته‌ها از نمونه به جامعه نیست، بنابراین پژوهش عمل‌نگر نسبت به پژوهش بنیادی و پژوهش کاربردی، اثربخشی کمتری در پیشرفت علم دارد.

(سراسری ۸۲)

کدام مثال ۲: تفاوت بین نظریه یادگیری و نظریه آموزش کدام است؟

- ۱) نظریه‌های یادگیری، بنیادی هستند ولی نظریه‌های آموزشی، کاربردی
- ۲) نظریه‌های یادگیری، تجربی هستند ولی نظریه‌های آموزشی، کاربردی
- ۳) نظریه‌های آموزشی، تجویزی هستند ولی نظریه‌های یادگیری، توصیفی
- ۴) نظریه‌های آموزشی، فلسفی هستند ولی نظریه‌های یادگیری، علمی

پاسخ: گزینه «۱» پژوهش‌های مربوط به یادگیری در ردیف پژوهش‌های بنیادی قرار دارند و اطلاعاتی زیر بنایی در مورد چگونگی یادگیری انسان‌ها و حتی دیگر جانداران ارائه می‌دهند. نظریه‌های آموزشی از این یافته‌ها و اطلاعات برای بهبود کیفیت یادگیری افراد در حین آموزش استفاده می‌کنند.

(آزاد ۸۸)

کدام مثال ۳: هدف از پژوهش‌های کاربردی آموزشی چیست؟

- ۱) کمک به تصمیم‌گیری
- ۲) کشف مجهولات
- ۳) کشف روابط بین امور و افزایش دانش بشری
- ۴) دستیابی به علل کارکرد دستگاه عصبی انسان

پاسخ: گزینه «۱» به اعتقاد کرلینجر هدف از پژوهش‌های کاربردی، کمک به تصمیم‌گیری در امر آموزش است. کشف مجهولات و یا روابط بین امور و علت‌ها، از اهداف عمده پژوهش‌های بنیادی است.



کله مثال ۴: آموزش برنامه یا کامپیوتر نمونه‌ای از پژوهش است.

(۱) تولیدی (۲) بنیادی (۳) کاربردی (۴) علمی

پاسخ: گزینه «۳» در پژوهش کاربردی هدف، آزمودن و بررسی امکان کاربرد دانش است و موضوع خود را در تعلیم و تربیت از مسائل و مشکلات روزمره آموزشی و تربیتی انتخاب می‌کند.

کله مثال ۵: کدام یک از پژوهش‌های زیر معمولاً در کلاس و به‌وسیله خود معلم برای حل مشکل خاص انجام می‌شود؟

(۱) پژوهش کاربردی (۲) پژوهش بنیادی (۳) پژوهش عمل‌نگر (۴) هیچکدام

پاسخ: گزینه «۳» پژوهش عمل‌نگر بیشتر جنبه حل مسئله دارد و برای گسترش دانش و آزمودن نظریه و فرضیه نیست.

هدف‌های پژوهش در روان‌شناسی پرورشی

۱- تبیین: یعنی بیان، توضیح و توجیه روابط بین متغیرها به راه‌های منطقی، معقول و قابل اثبات. مثلاً معلمان برای اینکه مشخص کنند چرا در یادگیری دانش‌آموزان کلاس‌های مختلف، تفاوت وجود دارد، در کلاس‌های مختلف به مشاهده پرداختند. آنان در مشاهدات خود به این نتیجه رسیدند که وقت کلاس در بعضی از کلاس‌ها مؤثرتر از کلاس‌های دیگر صرف یادگیری می‌شود. بنابراین چگونگی استفاده از زمان در یادگیری، نقش بسیار مهمی را ایفا می‌کند. بدین‌سان، این پژوهشگران در بین متغیرها یک رابطه‌ی منطقی برقرار می‌کنند.

۲- پیش‌بینی: یعنی پیشگویی ارزش یک متغیر بر اساس متغیر دیگر، با درجه‌ای از صحت که بالاتر از تصادف باشد؛ یا حدس عالمانه یا فرضیه. مثلاً زمان اختصاص داده شده برای یادگیری، به ویژه زمانی که دانش‌آموزان عملاً صرف یادگیری می‌کنند، پیش‌بینی‌کننده خوبی برای یادگیری دانش‌آموزان است.

۳- کنترل: یعنی دستکاری در یک متغیر و به عبارت دیگر، استفاده از آن به مقادیر مختلف برای ایجاد تغییر در یک متغیر دیگر. مثلاً معلمان گروه آزمایشی که به آنان روش‌ها و متون تدریس ارائه شده بود، بیشتر از گروه گواه در جریان تدریس خود از این مهارت‌ها استفاده کردند و دانش‌آموزان آنها نیز در آزمون‌های پیشرفت تحصیلی، نمرات بهتری دریافت کردند. بهترین پژوهش‌ها آنهایی هستند که هر سه نوع رابطه را فراهم آورند. تبیین بر روابط منطقی، پیش‌بینی بر روابط زمانی و کنترل بر روابط علی یا تابعی استوار است.

کله مثال ۶: در پژوهش‌های روان‌شناسی تربیتی، منظور از پیش‌بینی

(۱) توجیه کردن روابط بین متغیرها به راه‌های معقول و منطقی است.

(۲) توضیح دادن روابط علمی و قابل اثبات است.

(۳) نوعی حدس عالمانه یا همان فرضیه است.

(۴) بررسی رابطه علی بین متغیرها به راه‌های معقول و منطقی است.

پاسخ: گزینه «۳» هرگاه ارزش یک متغیر بر اساس متغیر دیگر، پیشگویی شود، به آن پیش‌بینی گویند که با عنوان حدس عالمانه یا فرضیه شناخته می‌شود.